دوازده دور چرخش ماه به دور زمین در هیئت خورشید مرکزی

استاد: خود ماه. خود ماه چند سیصد و شصت تا رفته؟ سیزده تا. حالا اینطور هست یا نیست؟

یعنی دراینصورت آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا[1]» باید ثلاث عشر شهرا باشد! چون سیزده بار رفته است. این سؤال، سؤال خوبی است که آدم روی آن فکر کند. واقعیتش به چه صورت است؟ جواب آن در ذهن شما الآن حاضر است؟

شاگرد: وقتی ناظر در رصدخانه نشسته سیزده دور میچرخد، خود ماه و خورشید با هم چه کار میکنند؟

استاد: صحبت سر همین است. در هیئت تجسیمی بطلمیوسی باز حرف من قوی میشود. یعنی همانی که در رصدخانه میبینیم، زمین در مرکز است. هیئت تجسیمی زمین مرکزی است و افلاک به دور آن میگردند. خورشید به واسطه فلک خودش نسبت به فلک و بروج ثوابت در منطقة البروج دارد میرود. پس چون زمین مرکز است و ماه و خورشید در دو فلک متطابق -که شیخ بهائی در صفحه اول تشریح الافلاک تشریح کردند- حرکت میکنند، باز حرف ما میشود. تمام شد. یعنی واقعاً روی آن مبنا ماه باید سیزده دور بزند. خب آن مبنا را باید چه طور جواب بدهیم؟ ماه سیزده بار گشته است، و در رصد خانه داریم میبینیم.

شاگرد۲: در اینجا هم «یوم خلق السماوات و الارض» دارد.

استاد: بله، «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»

شاگرد۲: قبل از اختزال اگر آن ملاحظه ای که شما میفرمایید نباشد میشود ۱۲ تا دیگه.

استاد: نه، صحبت در جایی است که ما در رصد خانه میبینیم. در رصدخانه میبینیم که ماه سیصد و شصت درجه رفت، اما چرا دو روز به آن بیست و هفت روز اضافه میکنیم؟ بهخاطر اینکه میخواهیم به پای شمس برسد و با شمس مقارنه صورت بگیرد. خب این دو روز را که آن رفته؟!

شاگرد۲: فرمودید اینکه چطور با «اثنی عشر شهر» جمع میشود را بنده عرض کردم.

استاد: میخواهید اشکال را تقویت کنید یا میخواهید جواب بدهید؟ مقصود شما معلوم باشد. میخواهید سیزده دور را بپذیرید یا نه؟

شاگرد۲: شما فرمودید «یوم خلق السماوات و الارض» قبل از اختزال است، یعنی قبل از اختزال این تطبیق حرکات نیست، لذا هر ماه سی روزه است و سیصد و شصت درجه می‌شود و دوازده ماه می‌شود. اما کم شدن این شش روز بعد از اختزال است.

استاد: اگر اینطور باشد روی حساب زمینی مرکزی سرعت ماه باید کمتر باشد تا دوازده تا شود. اگر بخواهد دوازده ماه باشد، باید سرعت قمر کمتر باشد. چون با سرعتی که آلآن در رصدخانه می‌رود در طی یک سال سیزده بار می‌رود تا بتواند یک دوری که خورشید رفته را جبران کند.

شاگرد: چطور سیزده دور می‌شود؟ دوازده دور و خردهای می‌شود.

شاگرد۲: هر ماهی بیست و هشت درجه اضافه می‌شود.

استاد: بیست و هفت درجه و خردهای می‌رود، تا به مقارنه برسد باید آنها جبران شود. اعدادش هم معلوم است، من آلآن در ذهنم نیست.

شاگرد۲: سیصد و هشتاد و هشت درجه باید برود.

استاد: سیصد و هشتاد و هشت درجه باید برود. از سیصد و شصت درجه باید بیشتر برود تا به مقارنه برسد. یعنی بیست و نه روز و نیم، ماه سیصد و هشتاد درجه رفته. نه سیصد و شصت درجه.

شاگرد: باز سیزده دور نمی‌شود. دوازده دور و سی درجه می‌شود.

شاگرد۲: نزدیک سیزده دور می‌شود.

---

[1] التوبه ۳۶

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2026 11:06:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2026 11:07:51 توسط ... .